

## کودک خیابانی، بی پناهترین قربانیان حکومت اسلامی

هاله طاهری

هفته گذشته در روزنامه رسالت آقایان ملک مدنی و احمد صفاری با هم به جدل به ظاهر تندی بر سر وضع کودکان خیابانی پرداختند. در این نوشته آمده است که باندهای قاچاق بچه‌های خیابانی را برای تخلیه اعضای بدنشان به ترکیه برده و آنجا سر به نیستشان می‌کنند. همچنین آمده است که پزشک قانونی کل کشور با تمام تلاش خود برای جمع آوری آمار کودکان خیابانی و حتی فوت آنها و اجسادشان نتیجه‌ای نگرفته‌اند. یکی از رقبا در افشای دیگری می‌گوید: مسئولین این سازمانها با گفتن اینکه «چنین آماری وجود ندارد» و یا «این آمار محرمانه است» از دادن هر گونه اطلاعاتی سر باز زده‌اند.

ما در جهانی با ۲۵۰ میلیون کودک کارگر، سیصد میلیون کودک گرسنه، یک میلیون کودک مبتلا به ایدز، سی میلیون کودک آسیب دیده جنگی، یک صد و بیست میلیون کودک بی‌سواد، صدها هزار کودک معلول ناشی از انفجار مین، هزاران دختر بچه به قتل رسیده به خاطر ناموس و شرف و عقب مانده‌ترین فرهنگ‌ها، میلیونها دختر بچه ختنه شده در کشورهای اسلامی و میلیونها کودک قربانی تن‌فروشی زندگی می‌کنیم. کودکان، ضعیف‌ترین و بی‌پناه‌ترین بخش جامعه بشری در گوشه و کنار این جهان در اشکال متنوع مورد طمع سرمایه‌داران، قربانی سودجویی میلیتاریسم و آلت دست مذهب، فرهنگ و رسم و رسوم عقب مانده می‌گردند.

در ایران طی ۲۳ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی جهنمی برای کودکان ساخته شده که راه برون رفت از آن خود این جانیان را به هراس انداخته است. ۲۳ سال است که در جنگهای متنوع، سربازگیری و روی مین فرستادن کودکان از آنها به عنوان سپر و سنگرهای حفاظتی استفاده می‌شوند. مجازات اعدام، سنگسار و قصاص و همه قوانین شرعی اسلامی شامل حال کودکان هم هست. در میان قامت بزرگسالان ارتش ذخیره کار پیکره‌های ضعیف و کوچک کودکانی که برای لقمه‌ای نان به هر سو می‌دوند و گاهی زیر دست و پا له می‌شوند و هیچ کس به فکرشان نیست کم نیستند. جمهوری اسلامی خود اقراری کند که حاصلی برابر با ۲۵ درصد درآمد خانواده‌ها ناشی از کار کودکان است. اعتیاد و فراری شدن، و پدیده بغرنج کودکان خیابانی را به این لیست سیاه‌روزی کودکان اضافه کنید تا ببینید که کودکان ما در ایران در چه جهنمی زندگی می‌کنند.

در این میان آقای ناممحرمتی چون زم که به اصطلاح مسوول سازماندهی کودکان خیابانیست می‌گوید که «کار با کودکان خیابانی که انواع مرض‌ها را دارند کار کثیفی است و با روحیه هنری برخی افراد سازگار نیست.» لازم به تفسیر گفته‌های مردان دیوانه‌ای از نوع این آقا نیست. خود آن به اندازه کافی گویاست. نگرش این آقای «مسئول» و کارنامه ۲۳ ساله سیاه آنها علیه حقوق کودکان و زنان در اعمال روزانه‌شان و گفته‌هایشان پیداست. کودک سالهاست در تفاسیر و قوانینشان به حکم شرع اسلام انسان به حساب نیامده است، و اجرای هر گونه بلایی بر سر او امریست که از واجبات پدر به حساب می‌آید. ازدواج دختر بچه‌های ۹ ساله، حکم زندان و مجازات کودکان در شکل سنگسار، قتل ناموسی، کتک و بی‌حرمتی، آپارتاید جنسی از فرامین قران و از فرهنگهای ضد

بشری ناشی می شود که اگر مستقیم از اسلام نیامده باشد حداقل اسلام در تقویت آن عمیقا دست دارد. به خاطر فقر روزافزون، به خاطر همین جهنمی که برای بزرگسالان آفریده اند کودکان، ضعیفترین بخش جامعه و در میان آنان هر آن که خانه و کاشانه اش بر باد رفته و یا بلایای دیگری دامن خانواده را گرفته با پدیده کودکان خیابانی روبرو می گردیم. کودکان خیابانی در نزد این جلادان و آقایان کمی تعدیل یافته به لحاظ «فرهنگی» موجود فراموش شده ایست که فقط وقتی در خیابانها و کوچه های شهر اجسادشان را جمع آوری می کنند و یا آمارهایی از دستشان در می رود، قابل بحث اند. آن هم نه برای کمک بلکه برای یادآوری این نکته که چقدر این موجودات مایه درد سرزند. از روی افشاگریهای هر دو رقیبان بر علیه هم می توان فهمید که حتی آن بودجه ناچیز را چطور به جیب زده اند. این رقیبان امروزی و یاران سابق در طراحی ساختار جهنمی به نام جمهوری اسلامی عذرخواهی بزرگی بابت افاضاتشان در مورد کثیفی کار با کودکان خیابانی به این کودکان و به جامعه مقروضند. کودکان خیابانی فرزندان جامعه اند. آنها خیابانی به دنیا نیامده اند. اگر امروز آنها در وضعیت بیمارگونه، بی سرپناهی و در تباهی مطلقی زندگی می کنند، اگر امروز آنها را می کشند و جسدهایشان قلبمان را می فشارد، اگر امروز آنها به جای نشستن در کلاسهای درس به بزه کاری کشیده می شوند، اگر معتاد و سیگاری هستند باید یقه مقصرین این وضعیت را چسبید. آنها را باید به محاکمه کشاند. دستان کثیف آنان را باید از روی سر این کودکان برداشت. مقصر این وضعیت رژیم جمهوری اسلامیست. رژیمی که با پایه های سرمایه داری عصر حاضر و عصای زنگ زده اسلام محمدی یک جامعه ۶۵ میلیونی را به روزگار سیاه کشانده است. دیگر بس است! روزهای آخر مرگ این جانیان فرارسیده و زنگهای یک انقلاب دیگر به صدا درآمده است. برای نجات کودکان خیابانی از این وضعیت فلاکت بار و ایجاد سرپناهی مطمئن و انسانی باید هر شیوه ی ممکن را به کمک طلبید. اما از بین بردن این پدیده و سلامتی کامل کودکان مان در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه بهتر، یک جمهوری سوسیالیستی است. جامعه مسئول رشد و سلامت، امنیت و همه ابعاد زندگی کودک است. جامعه موظف است هر گونه تعرض به حقوق کودک را پیشگیری کرده و امکان یک محیط سالم و شاد برای کودک و والدین و خانواده های آنان را بوجود آورد.